



یک مرکز اجاره دوچرخه در چین، عکس از رویترز

شرکت کنندگان جشنواره ورزش‌های آبی در دریای سیاه، عکس از گاردین



ساکنان محلی سوار بر یک تله کابین برای عزیمت به سمت شهر، عکس از خبرگزاری فرانسه

دنیانه روایت تصویر

- در محضر بزرگان

روز انهمه حساب اعمال خودر سبجگي كنيد

آيت... مجتهدی تهرانی درباره محاسبه گناهان در يك روز گفته‌اند: اگر خداي نكر ده به نامحرم نگاه كرديم بنويسيم، غيبت كرديم بنويسيم، آواز حرام گوش كرديم بنويسيم، بعد اگرديديم كار بد انجام داده‌ايم استغفار كنيم و اگر كارهاي خوب انجام داده‌ايم خدا را شكر كنيم.

- احكام

ذكرهای صحیح ركوع و سجده

محمد علی ندائی– ذکر به معنای یاد خدا و یکی از واجبات یازده گانه نماز است زیرا که نماز گزار در حالت‌های مختلف نماز همچون سجده، رکوع وتشهد باید ذکر هایی را که مشخص شده به نحو صحیحی بگوید به طوری که خود، این ذکرها را بشنود (البته اگر گوشش سنگین نباشد). این ذکرها باید در حالتی آرام و بدون حرکت گفته شود، همان گونه که حمد وسوره نیز باید در حالت سکون و استقرار قرائت شود. بدون شک حمد و ثنای خداوند، مصداق روشن ذکر است اما دراین که صلوات برپیامبر (ص) هم ذکر محسوب می‌شود یا نه، باید گفت: حضرت آیت... خامنه‌ای در استفتایی صلوات را ذکر شمرده‌اند و درباره ذکرهای رکوع و سجود چنین فتوا داده‌اند:

سوال: مراد از ذکر چیست؟ آیا شامل صلوات برپیامبر (ص)و خاندان آن حضرت می‌شود؟

جواب: هر عبارتی که متضمن ذکر خداوند عزوجل باشد، ذکر محسوب می‌شود و صلوات برمحمد و آل محمد (ص) از بهترین ذکرهاست ولی ذکر واجب در رکوع و سجده عبارت است از یکبار گفتن «سبحان ربی العظیم و بحمده» در رکوع و یکبار گفتن «سبحان ربی الاعلی و بحمده» در سجده یا سه بار گفتن «سبحان...» و اگر به‌جای آن ذکرهای دیگر مانند «الحمدلله»، «...اکبر» و غیر از آن را به همان مقدار بگوید، کافی است.

- فتوشعر



- حکایت

ارزش عمر!

شخصی نزد منصور دوانیقی رفت و گفت: هنری دارم. منصور دوانیقی گفت: هنرت چیست؟

گفت: نشانه‌گیری من خوب است. من سوزن را از فاصله چند متری به هدف می‌زنم و بار دوم و سوم می‌توانم به همان هدف نشانه‌گیری کنم. منصور تا هنر او را دید گفت صد دینار برای هنر نمایی او بدهید و صد تازیانه هم به او بزنید!

هنر مند با تعجب پرسید: چرا دستور تازیانه؟! منصور گفت برای این که تو عمرت را این چنین هدر ندهی.

برگرفته از کتاب جنگ جوان اثر محمود اکبری

- فتونکته



- اندک‌صبر

بخندا!

هنوز غصه خود را

به خنده پنهان کن...

بخند گرچه تو با خنده هم

غم انگیزی....!



زمین فوتبال جنگلی!



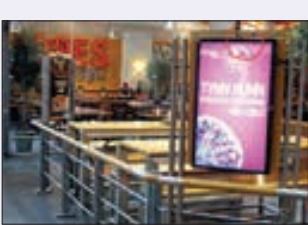
تک نفره گرفته است که بزرگی این زمین فوتبال را نشان می‌دهد. این زمین فوتبال ۵ برابر زمین‌های فوتبال معمول در سراسر جهان است و به‌طور کامل با درختان جنگلی احاطه شده است. از این رو هوای بسیار مطبوع و خنکی را برای فوتبالیست‌ها فراهم کرده است.

خلاقیت عجیب یک شرکت سوئدی!



چند ممکن است از نظر بقیه وجود یک وسیله الکترونیکی در بدن زیاد جالب نباشد اما کارکنان این شرکت از این وسیله بسیار راضی هستند. آن‌ها به راحتی در هر قسمتی از شرکت با تکان دادن دستشان در جلوی یک چاپگر می‌توانند کارشان را انجام دهند، غذا سفارش دهند و حتی مرخصی ساعتی بگیرند!

تبلیغات فوق هوشمندانه یک پیتزا فروشی!



برخورد دار بود که با دیدن هر مشتری جدید اطلاعات ظاهری او را بررسی می‌کرد و تبلیغی را که برایش مناسب‌تر بود نشان می‌داد! حالا بعد از سال‌ها این سیستم که هزاران ویدئو از افراد مختلف را بدون اجازه آن‌ها ضبط کرده، توسط مردم کشف شده است.

- شعر طنز

فکر ما باش دوره دوم!

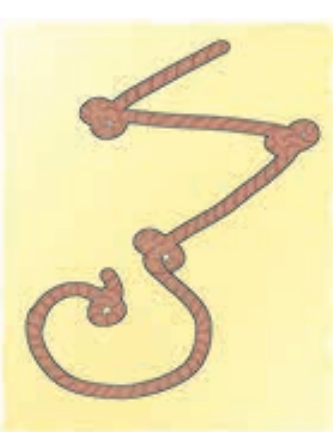
با سلام ای جناب روحانی که همواره فکر تعمیری لطف کن با امید و با تدبیر
برود ترس سفته از خواب چسب را با دهن کسی نکند
گارسونانی که شیک و با کُله ند شور ماند پنیر تیریزی
باشد از این به بعد در خانه خرد باشد درون تاکسی‌ها
پخش کن شوق در دل مردم کار کن، کار خوب فرهنگی
فکر هر رنگ و هر گروهی باش هر که باشم پشت تو هستم
تا توانی به خلق خدمت کن

امیرحسین خوش حال

مسابقه شماره ۱۶۰

1sargarmi.ir

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!



/ * < } =



/ ! | ؛ } | = - * (



× ÷ × * ! ÷ (

- کله چفوکس

آق کمال به تفریح مجردی می‌رود

به جز مسعود که رفیق قائمه و از وقتی خُرد بودم با هم بزرگ رفتم، چند تا دوست صمیمی هم دژم که از زمان دانشگاه با هم آشنا رفتم و هنوزم با هم هستیم. تو اینا نگ علی بود که رفت خارج و ما ره تنها گذاشت و دلمان براش تنگ رفته. یگ ابوالفضل است که کرکر خنده‌یه و هر جا باشه لُهمان درد می‌گیره از بس می‌خندم. یگ علیرضا هم است که بچه مثبت جمعه ولی مُهره هوله، از بس زر مزنه و هول مُکنه. او زمانا که مجرد بودم خیلی با هم‌دگه بیرون مرفتم، مخصوصا شبای امتحان و به هوای درس خواندن که از بستنی فروشی‌های طریقه و ساندویچ کثیفی‌های شهر سر درمی‌آوردم. ولی بعد از ازدواج بیرون رفتن هامان هم کمتر شد و عوضش با اهل و عیال مریم. جاتا خالی دیروز بری یگ کاری قرار شد برم خارج شهر. با ابوالفضل و علیرضا به هوای دوران مجردی‌ورخاستم رفتم. ولی نمودم چی حسابی بود که هر کار نکردم مثل او زمانا نیمچسپید و خوش نِمگذشت.

از همو اولش که نشستیم تو ماشین، عیال علیرضا زنگ زد که روغن بندرم تو خانه، مِتنی بخری بری ناهار؟ حالا ما تو عوارضی‌وای بدبخت هم جرات نداشت بگم ما ناهار بر نِمگردم. یک کم دگه که رفتم ابوالفضل دلش گریفت که کاش پسر مه باخودم آورده بودم، چند وقته مسافرت نبردمش! یگ ساعتی که گذشت کاملیا خانم پیامک داد که چه خبر و خوش مگذره؟ ای جور وقتا مثل چوب دو سر آتیشه، نه مِتنی ایبر چوب ره بیگیری، نه اوبر شه. نه مِتنی بگی‌ها خوش مگذره، نه باید دروغ بگی که خوش نِمگذره. تمام مسیر علیرضا‌هی مُگفت: «ای وای خانُشم بدون روغن تو خانه مانده» ابوالفضل هم هی مسخره‌اش مِکرد که: «مخوای برگردم روغن بخری؟» حالای وسط هم هی عیال مو زنگ و پیامک و تلگرام مزد که ببینه کجایم و بهمان خوش مگذره یا نه و ناهار درست خوردم و گرما نخورم و تو جاده با احتیاط برم ...

شب که برگشتم خانه، کمرهامان که خشک رفته بود از نشستن، دل و دماغ هم نداشتم به خاطر فکر و خیال زن و بچه‌ها. آخرش هم به‌ای نتیجه رسیدم که هر چیزی یک بهاری دره. مجردی مسافرت رفتن هم بری همو زمان مجردی خوبه، نه وقتی زنت دلش برات تنگ مِره و دل خودت بری بچه‌ا تنگ مِره و روغن خانه‌تان تموم مِره!

آق کمال

- قلمرو



«هی فلانی زندگی شاید همین باشد». گاهی آدم آن قدر به معنی زندگی توجه می‌کند که خود آن را فراموش می‌کند. به بشقابی پر از غذا را بدون نمک تصور کنید. در حالی که مقداری نمک در گوشه آن ریخته باشند. حال اگر کسی ناچار باشد محتویات این بشقاب را به همین ترتیب بخورد، به اجبار باید همه غذا را بدون نمک خورده و دست آخر نمک را هم یک جامیل کند. در این حال نه غذای بی‌نمک به وجودش نشسته و نه شوری یک جا به او لذتی بخشیده است. در حالی که اگر نمک در جای جای خوراک او پاشیده شده بود در تمام مدت صرف غذا، لذت همراه ذائقه او می‌شد. زندگی هم چیزی شبیه همان بشقاب خوراک است. ما اغلب عادت داریم به شدت و بدون مزه کار کنیم و اگر فرصتی پیدا شد، یک جا تفریح کنیم در صورتی که اگر تفریح را با زندگی و کار روزانه خود ترکیب می‌کردیم، کار برای ما حکم تفریح پیدا می‌کرد گرچه که گاهی هم تلخ باشد. این جاست که این سخن جناب خان معنا پیدا می‌کند که «هی فلانی زندگی شاید همین باشد»

خط و توضیحات: اسماعیل فریدونی

- ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹۹

* بخش دیدنی هاتون در زندگی سلام که سلفی با حیوانات بود جالب بود.

* درباره ستون «فارسی بنویسیم»، نظر شخص بنده به عنوان عضو جوان این مملکت مثبت است.

* طنزتون درباره برنامه کودک شو، عالی بود. خخشخ!

* خواهر شوهر عزیزم مهسا جان، سوم خرداد سالروز تولدت

را از مصیم قلم بهت تریک می‌گویم.

* فاطمه جان همسر عزیزم از این که با تمام مشکلات در کنار من ایستاده‌ای از من ممنون.

مسرت داوود